

مقایسه مسئولیت پذیری اجتماعی، رابطه والد فرزند و بهزیستی روانی در دانش آموزان تک والدینی و عادی^۱

مرضیه عزیزی^۲، مستوره صداقت^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر، مقایسه مسئولیت پذیری اجتماعی، رابطه والد فرزند و بهزیستی روانی در دانش آموزان تک والدینی و عادی بود. این پژوهش از حیث رویکرد کمی، از حیث هدف کاربردی و از حیث کارکرد علی-مقایسه‌ای بود. برای رسیدن به این هدف جامعه آماری آن شامل تمامی دانش آموزان تک والدینی مدارس مقطع ابتدایی کلاس‌های چهارم، پنجم و ششم منطقه ۳ تهران که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۹۹ مشغول به تحصیل بودند و حجم نمونه با توجه به هدف پژوهش و با استفاده از شیوه نمونه‌گیری در دسترس، ۶۰ نفر با توجه به اهداف و فرضیه تحقیق که ۳۰ نفر مربوط به گروه دانش آموز تک والدینی و ۳۰ نفر دانش آموز عادی که به صورت در دسترس انتخاب شدند. در این پژوهش پرسش‌نامه مسئولیت پذیری اجتماعی، پرسشنامه ارزیابی رابطه والد - فرزند و پرسش‌نامه بهزیستی روانشناختی بر روی گروه نمونه اجرا شد. در این پژوهش داده‌های جمع‌آوری شده بر اساس روش‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و استنباطی (تحلیل واریانس چندمتغیره) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که اثر گروه تنها بر نمرات حاصل از پرسش‌نامه بهزیستی روانی معنادار می‌باشد؛ بدین معنا که بین آزمودنی‌های دو گروه (دانش آموزان تک والدینی و عادی) در میانگین نمرات این متغیر تفاوت معناداری وجود دارد. اما در سایر متغیرها تفاوت معناداری دیده نمی‌شود.

کلمات کلیدی: مسئولیت پذیری اجتماعی، رابطه والد فرزند و بهزیستی روانی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۸

^۱ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد است

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۳ استادیار و عضو هیأت علمی گروه روانشناسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

خانواده تک والدینی یکی از شرایط خاص خانوادگی است که به عنوان یک متغیر مهم محیطی به طور مستقیم و غیرمستقیم تأثیر ویژه‌ای بر رشد عمومی و ابعاد مختلف رفتار فرزندان به خصوص در زمینه سلامت روانی، جسمانی و سازش یافتگی آنها می‌گذارد. با توجه به اینکه تحول شخصیت کودک و نوجوان به شدت توسط والدین متأثر می‌شود، غیبت یکی از والدین یا هر دو، اثر نامطلوبی بر تحول آنها خواهد داشت و آنها را مستعد بیماری روانی یا مشکلات رفتاری بعدی خواهد ساخت (معمدی شارک، غباری بناب و ربیعی، ۱۳۹۵). از جمله مسائلی که دانش آموزان تک والدینی می‌توانند با آن درگیر شوند حس مسئولیت پذیری آنها است. ایجاد حس مسئولیت پذیری در دانش آموزان، نقش مهمی در آینده شغلی، تحصیلی و زندگی شخصی آنها دارد که باید از همان دوران ابتدایی و دبستان، در دانش آموزان تقویت شود (مدهوشی و نوروزی، ۱۳۹۵). هم‌چنان که در جامعه‌ای بزرگ مسؤلیت‌ها کارساز است و انجام درست آن جامعه را سامان می‌بخشد. در خانواده هم احساس مسؤلیت و انجام درست و به موقع آن خانواده را که جامعه‌ای کوچک و مقدس به‌شمار می‌رود. به‌سوی فلاح و رستگاری رهنمون می‌گردد. همان‌طور که هیچ فردی بدون وظیفه نیست، هیچ یکی از افراد هم همه وظایف را ندارند. دوم این که باید مسؤلیت‌ها تقسیم شود (شیشه فر، کاظمی و پزشکی، ۱۳۹۶). بر طبق نظریه هاتون^۴ (۱۹۸۹) فرد مسؤل قادر به کنترل عواطف منفی خود (مثل خشم) می‌باشد و کنترل عواطف نیز به کنترل خود منجر می‌گردد.

کودکان نیز از طریق فرآیند مسؤلیت پذیری، توانایی به‌عهده گرفتن مسؤلیت گفته‌ها و افکار خود را کسب می‌کنند و دیگران را نیز قادر به انجام این کار می‌کنند (به نقل از کاظم‌پور و باباپور، ۱۳۹۶). مسؤلیت پذیری اجتماعی موقعیت یا احساس التزام به عمل یا واکنش فردی در موقعیت‌های فردی گوناگون به دلیل تقید به دیگران است. نوعی احساس تعهد و پایبندی به دیگران، تبعیت از قواعد و معیارهای اجتماعی و درک قواعد گروهی که در ذهن فرد شکل گرفته است و بر رفتارهای او اثر می‌گذارد (یزدان پناه و حکمت، ۱۳۹۳). دودمان (۱۳۹۷) در پژوهش خود نشان داد که شیوه‌های فرزندپروری والدین قادر به پیش‌بینی مسؤلیت پذیری فرزندان می‌باشد و بر مسؤلیت پذیری فرزندان

4 . Houghton

مقایسه مسئولیت پذیری اجتماعی، رابطه والد فرزندی و بهزیستی روانی در دانش آموزان.....141

تأثیر مثبت دارد؛ همچنین ماینهارد^۵ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود به این نتایج دست یافتند که بین مسئولیت پذیری مادران دارای فرزند و مادران فاقد فرزند (زنان جوان) رابطه معناداری وجود دارد همچنین مسئولیت پذیری فرزندان مادر سرپرست به مراتب بیشتر از فرزندان پدر سرپرست و یا فاقد سرپرست وجود داشت. هولوپاین^۶ و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهش خود به این نتایج دست یافتند که بین مسئولیت پذیری و روابط مادر فرزندی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. از طرفی بی توجهی و فقدان ارتباط مناسب والدین با فرزندان، به سلامت و امنیت محیط روانی و عاطفی کودکان و نوجوانان لطمه می زند و فرزندان را با کمبودهای عاطفی، انگیزشی و مشکلات روانی روبه رو می سازد. ارتباط ضعیف بین والدین و فرزندان منجر به بروز رفتارهای خطرناک می کند؛ از دیدگاه روان شناسان سلامت ارتباط آسان و به دنبال آن احساس رضایت از رابطه با والدین برای افراد جوان ضروری است (موسوی، جلویاری و تبریزی، ۱۳۹۲).

طبق نظریه‌ی اجتماعی لامب و لويس^۷ (۲۰۰۴) نیز بر روابط بین والدین و فرزندان تأکید می کنند و به طور مختصری با فرهنگ جامعه در ارتباط است. در جایی که فرزندان با اعضای خانواده بزرگ می شوند و از آن جایی که بسیاری از فرزندان در شرایط مختلف، پیچیده و روابط بین فردی رشد می کنند، پس نمی توان ارزش های فرزندپروری را جدا از بافت فرهنگی یا اجتماعی که فرد در آن زیسته است، در نظر گرفت (حلی ساز، مظاهری، پناغی و حسنی، ۱۳۹۵). رابطه والد-فرزندی متشکل از ترکیبی از رفتارها، احساسات و انتظاراتی است که منحصر به پدر و مادر خاص و یک کودک خاص است که باعث تعامل قوی بین والدین و کودک می شود و به طور قابل توجهی به درک و پذیرش متقابل بین والدین و فرزند کمک می کند (میرزایی، شاکری نیا و اصغری، ۱۳۹۴). عسگری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود نشان دادند که یک مضمون اصلی به نام رابطه والد- فرزند در مسیر موفقیت تحصیلی و شش مقوله شامل ادغام نقش پدرانه و مادرانه، خانواده رابطه مدار، حمایت مادرانه، تأمین نیازهای رشدی، الگوپذیری از مادر و موفقیت جویی بود. می توان نتیجه گرفت این پژوهش درک تازه ای از رابطه والد- فرزند در تجربه موفقیت تحصیلی دانش آموزان مادر سرپرست ارائه داده است. بدین صورت که ادغام نقش پدرانه و

^۵ . Mainhard

^۶ . Holopainen

^۷ . Lamb & Lewis

مادرانه همراه با تداوم حمایت مادرانه، ایجاد محیط رابطه‌مدار در خانواده و تأمین نیازهای رشدی فرزند از مهم‌ترین مسئولیت‌های مادران است. همچنین، الگوپذیری از مادر و موفقیت‌جویی می‌تواند بر وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر مثبت داشته باشد. زارع و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود بیان کردند که روابط والد فرزند در خانواده‌های تک والدینی بسیار ضعیف می‌باشد و برنامه‌های بهبود بخشی ارتباط به طور اختصاصی باعث افزایش این روابط خواهد شد. نهایتاً شواهد پژوهشی شایان توجهی وجود دارد که نشان می‌دهد تنش و حوادث نامطلوب زندگی از جمله نبود یکی از والدین می‌تواند بهزیستی روانی کل اعضای خانواده و از جمله فرزندان را تحت تأثیر قرار دهد و مختل کنند (سگستر و میلر^۸، ۲۰۱۷). در سال‌های اخیر برخی روانشناسان به تعاریف عوامل همبسته و پیش‌بینی کننده پیامدهای مثبت وجود انسان مانند شادی، امید و بهزیستی پرداخته‌اند؛ حرکت از سمت شرایط مرضی به جنبه‌های مثبت را جنبش روانشناسی مثبت‌نگر گویند (آرگیل^۹، ۲۰۱۰).

بهزیستی روانشناختی^{۱۰} یک مفهوم چند مؤلفه‌ای و در برگیرنده ۱- پذیرش خود^{۱۱}: یعنی نگرش مثبت به خود و پذیرش جنبه‌های مثبت خود مانند ویژگی‌های خوب و بد و احساس مثبت درباره زندگی گذشته؛ ۲- روابط مثبت با دیگران^{۱۲}: احساس رضایت و صمیمیت از رابطه با دیگران و درک اهمیت این وابستگی‌ها؛ ۳- استقلال^{۱۳}: احساس استقلال و اثرگذاری در رویدادهای زندگی و نقش فعال در رفتارها؛ ۴- تسلط بر محیط^{۱۴}: حس تسلط بر محیط، کنترل فعالیت‌های بیرونی و بهره‌گیری مؤثر از فرصت‌های پیرامون؛ ۵- زندگی هدفمند^{۱۵}: داشتن هدف در زندگی و باور به این که زندگی حال و گذشته او معنادار است؛ ۶- رشد شخصی^{۱۶}: احساس رشد بادوام و دستیابی به تجربه‌های نو به‌عنوان یک موجود دارای استعدادهای بالقوه (اصغری و ممی زاده، ۱۳۹۷). حمیدی و انصاری (۱۳۹۵) در پژوهش خود بیان

8 . Segerstrom & Miller

9 . Argyle

10 . Psychological well-being

11 . self-acceptance

12 . positive relation with others

13 . autonomy

14 . environmental mastery

15 . purpose in life

16 . personal growth

مقایسه مسئولیت پذیری اجتماعی، رابطه والد فرزندی و بهزیستی روانی در دانش آموزان.....143

کردند که دانش آموزان تک والدینی از بهزیستی روانشناختی کمتری برخوردارند. اشنلر^{۱۷} و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهش خود به این نتایج دست یافتند که بهزیستی روانشناختی خانواده های تک والدینی کمتر از دووالد می باشد. شارک و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی خود به این نتایج دست یافتند که مشکلات رفتاری اعم از اختلال سلوک، پرخاشگری، فزون کشی؛ بهزیستی روانشناختی اعم از افسردگی و اضطراب در دانش آموزان تک والدینی بیشتر از دانش آموزان دو والدی است. همچنین بچه‌هایی که در خانواده‌های تک والدینی بزرگ شده‌اند اغلب به علت مشکلات متعدد در خانه، دچار مشکلات رفتاری می‌شوند. در این افراد احتمال بروز مشکلات رفتاری و روانی نسبت به افرادی که در خانواده‌های سالم بزرگ می‌شوند، بیش از دوبرابر است. این خانواده‌ها دارای نقش‌ها و مرزهای نامشخص و نامعینی هستند. به طور کلی بچه‌های این خانواده‌ها موقعیت تحصیلی محدودی کسب می‌کنند (بابایی فرد، ۱۳۹۲).

مشکلات این دسته از خانواده‌ها مشکلات ارتباطی والد سرپرست با فرزندان به ویژه فرزندان نوجوان است. تقسیم قدرت و اختیارات بعد از فقدان یک والد به ویژه در رابطه با زنان سرپرست خانواده به چشم می‌خورد (عسگری و همکاران، ۱۳۹۷). همچنین پژوهش‌ها مؤید این نکته است که کودکان این خانواده‌ها نسبت به خانواده‌های دو والدی با احتمال بیشتری دچار فقر اقتصادی، اعتماد به نفس پایین و ترک تحصیل می‌شوند، زیرا پدر و مادر دو رکن اساسی خانواده هستند که با به وجود آوردن محیطی امن و سالم، تحول روانی فرزندان خود را میسر می‌سازند و در اجتماعی کردن آنها نقش بیشتری دارند. عدم حضور هر یک از والدین در محیط خانواده، تعادل آن را بر هم زده و موجب تضعیف کارکرد خانواده، کاهش نظارت و مهار اجتماعی می‌شود و بزهکاری، مشکلات جسمانی، آشفتگی روانی و اجتماعی و اختلال‌های رفتاری در فرزندان آنها افزایش می‌یابد. این نوجوانان نه تنها دچار مشکلات رفتاری می‌شوند بلکه بیش از فرزندان خانواده‌های سالم، نگران، گوشه گیر و افسرده هستند، از اعتماد به نفس کمتری برخوردارند و حس ناامیدی بیشتری دارند.

مطابق آمار، تقریباً ۶۰ درصد از کودکان آمریکایی در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که فقط مادران در آن حضور دارند؛ همین موضوع سبب درگیری آن‌ها با فقر است، در حالی که فقط ۱۱ درصد از خانواده-

های دو والد واقعی در فقر بسر می‌برند، جالب آن که میزان فقر در خانواده‌های تک والدینی آفریقایی - آمریکایی بالاتر است، به حدی که از هر ۳ کودک خانواده‌های تک والدینی، ۲ کودک در فقر مطلق بسر می‌برد و معضلات اقتصادی یکی از مهمترین مشکلات و پریشانی‌های یک والد تنهاست. فشارهای دیرینه ناشی از فقر، به همراه حجم بالای وظایفی که مدام اضافه می‌شود، موجب آسیب‌پذیری و استرس در زندگی جدید می‌گردد (بختیاری و حسینی، ۱۳۹۰).

در نتیجه مرور ادبیات پژوهشی می‌توان بیان نمود، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رابطه والد-فرزند و بهزیستی روانی به‌عنوان یکی از عوامل شکوفایی و رشد مسیر رشد و تعالی دانش‌آموزان به حساب می‌آید. همچنین با وجود پژوهش‌های فراوان در این زمینه، مطالعه‌ای که با فراتر رفتن از محدودیت‌های تحقیق، به درک عمیق تجربه و داستان مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رابطه والد فرزند و بهزیستی روانی دانش‌آموزان تک والدینی، یافت نشد. در نتیجه با توجه به این که در ایران مطالعه‌ای عمیق و کاربردی در این زمینه صورت نگرفته، پژوهش کنونی با هدف بررسی مقایسه مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رابطه والد فرزند و بهزیستی روانی دانش‌آموزان تک والدینی و عادی انجام شد.

الف) فرضیه اصلی:

- بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رابطه والد فرزند و بهزیستی روانی دانش‌آموزان تک والدینی و عادی تفاوت وجود دارد.

ب) فرضیه‌های فرعی

- بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانش‌آموزان تک والدینی و عادی تفاوت وجود دارد.
- بین رابطه والد فرزند دانش‌آموزان تک والدینی و عادی تفاوت وجود دارد.
- بین بهزیستی روانی دانش‌آموزان تک والدینی و عادی تفاوت وجود دارد.

روش شناسی

پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای بوده که در آن ۶۰ نفر از بین تمامی دانش‌آموزان تک والدینی مدارس مقطع ابتدایی کلاس‌های چهارم، پنجم و ششم دختر منطقه ۳ تهران که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۹۹ مشغول به تحصیل بودند که طبق استعلام از سازمان نظام آموزش و پرورش، تعداد آنها ۱۲۵ نفر می‌باشند، با توجه به اهداف و فرضیه تحقیق ۶۰ نفر با توجه به تعداد فرضیه‌ها انتخاب شدند که ۳۰ نفر

مقایسه مسئولیت پذیری اجتماعی، رابطه والد فرزندی و بهزیستی روانی در دانش آموزان.....145

مربوط به گروه دانش آموزان تک والدینی و ۳۰ نفر دانش آموزان عادی به صورت در دسترس مورد بررسی و مقایسه قرار گرفتند. حداقل تعداد نمونه در پژوهش های آزمایشی و علی مقایسه ای، ۳۰ نفر در هر گروه توصیه می گردد (دلاور، ۱۳۹۵). ابزارهای گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه مسئولیت پذیری اجتماعی دانش آموزان کردلو (۱۳۹۳)، پرسشنامه ارزیابی رابطه والد - فرزند (PCRS) مارک آ. فاین، جی. آر. مورلند، و اندرو اسچووبل (۱۹۸۳) و پرسش نامه بهزیستی روانشناختی ریف (۱۹۸۹) بود.

مسئولیت پذیری اجتماعی با پرسشنامه کردلو که در سال ۱۳۹۳ هنجاریابی شده اندازه گیری شد. پرسشنامه مسئولیت پذیری اجتماعی دانش آموزان کردلو (۱۳۹۳) دارای ۵ مقیاس است. که به ترتیب در مقیاس اول فعالیتهای دانش آموز در داخل و خارج از مدرسه پرسیده می شود احساس امنیت: (۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ۸ - ۹ - ۱۰ - ۱۲ - ۱۳ - ۱۶ و ۲۲)؛ عزت نفس (۴ - ۱۱ - ۱۴ و ۱۵)؛ احساس تعلق (۴: ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۱ و ۲۲)؛ احساس مسئولیت: (تعهد بیرونی) (۲۰ - ۲۱ - ۲۴ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۴ - ۳۵ - ۳۶ - ۳۸ - ۴۰ - ۴۱)؛ مسئولیت پذیری: (تعهد درونی) (۲۲ - ۲۳ - ۲۵ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۳۱ - ۳۲ - ۳۳ و ۳۷). جمع گزینه های فوق نمره احساس مسئولیت (تعهد بیرونی) آزمودنی را نشان می دهد.

این آزمون بر روی جامعه آماری دانش آموزان شهر تهران اجرا شده است که در آن تعداد ۴۷۹ دانش آموزان دختر و پسر شهر تهران مورد آزمون قرار گرفته اند. روایی این آزمون از طریق همبسته کردن سوالات ۸۲٪ و پایایی آن به استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۸۹٪ می باشد که نمایانگر روایی و اعتبار بالای آزمون می باشد.

رابطه والد فرزندی با پرسشنامه مارک آ. فاین، جی. آر. مورلند، و اندرو اسچووبل (۱۹۸۳) اندازه گیری شد. پرسشنامه ارزیابی رابطه والد - فرزند (PCRS) توسط مارک آ. فاین، جی. آر. مورلند، و اندرو اسچووبل (۱۹۸۳) ساخته شده است که از ۲۴ گویه تشکیل شده است که به منظور سنجش کیفیت ارتباط والدین و فرزندان بکار می رود. این پرسشنامه دو فرم دارد؛ نسخه پدر شامل ۴ خرده مقیاس (احساسات مثبت «۳، ۱۴، ۱۸، ۲۴»، درگیری و آمیختگی پدر «۱، ۲، ۹، ۱۰، ۱۶»، ارتباطات «۷، ۸، ۱۵، ۱۷» و خشم «۱۳» و نسخه مادر نیز شامل ۴ خرده مقیاس (احساسات مثبت «۱، ۳، ۶، ۷، ۱۵، ۲۳»، تنفر / گم گشتگی نقش «۹، ۱۴»، تعیین هویت «۳، ۱۳، ۲۱، ۲۴» و ارتباطات «۴، ۵، ۷، ۸، ۱۵، ۱۷» می باشد.

نمره گذاری پرسشنامه بصورت طیف لیکرت ۷ نقطه ای می باشد. حد پایین نمره ۲۴، حدمتوسط نمرات، ۹۶ و حدبالای آن ۱۶۸ است. مقیاس رابطه والد - فرزندی با ضرایب آلفای ۰/۸۹ تا ۰/۹۴ برای خرده مقیاسهای مربوط به پدر و نیز آلفای کلی ۰/۹۶ و ضرایب آلفای ۰/۶۱ (همانندسازی) تا ۰/۹۴ برای خرده مقیاسهای مربوط به مادر نیز آلفای کلی ۰/۹۶ همسانی درونی عالی دارد.

بهزیستی روانی با پرسشنامه ریف (۱۹۸۹) اندازه گیری شد. پرسشنامه بهزیستی روانشناختی ریف^{۱۸} (۱۹۸۹) در سال ۱۹۸۹ توسط کارول ریف ساخته شده است این آزمون ۸۴ سؤال و ۶ عامل پذیرش خود (۸۴-۷۸-۷۲-۶۶-۶۰-۵۴-۴۸-۴۲-۳۶-۳۰-۲۴-۱۸-۱۲-۶)، روابط مثبت با دیگران (۷۹-۷۳-۶۱-۶۷-۲۵-۳۱-۳۷-۴۳-۴۹-۵۵-۱-۷-۱۳-۱۹)، خودمختاری (۸۰-۷۴-۶۸-۶۲-۵۶-۵۰-۴۴-۳۸-۶۱-۶۷-۲۵-۳۱-۳۷-۴۳-۴۹-۵۵-۱-۷-۱۳-۱۹)، تسلط بر محیط (۸۱-۷۵-۶۹-۶۳-۵۷-۵۱-۴۵-۳۹-۳۳-۲۷-۲۱-۱۵-۹-۳)، زندگی همدند (۸۳-۷۷-۷۱-۶۵-۵۹-۵۳-۴۷-۴۱-۳۵-۲۳-۲۹-۱۷-۱۱-۵)، رشد فردی (۸۲-۷۶-۳۴-۴۰-۴۶-۵۲-۵۸-۶۴-۷۰-۴-۱۰-۱۶-۲۲-۲۸) را در بر می گیرد.

آزمودنی‌ها در مقیاسی ۶ درجه‌ای (کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) به سؤالها پاسخ می‌دهند. چهل و هفت سؤال مستقیم و سی و هفت سؤال به صورت معکوس نمره گذاری می‌شوند. نمره ۶۳ نقطه برش پرسشنامه است که نمرات بیشتر از ۶۳ نشان‌دهنده بهزیستی روان‌شناختی بالا و نمرات کمتر از ۶۳ نشان‌دهنده بهزیستی روان‌شناختی پایین است. آلفای کرونباخ به دست آمده در مطالعه ریف برای پذیرش از خود (۰/۹۳)، ارتباط مثبت با دیگران (۰/۹۱)، خودمختاری (۰/۸۶)، تسلط بر محیط (۰/۹۰)، هدفمندی در زندگی (۰/۹۰) و رشد شخصی (۰/۸۷) گزارش شده است (ریف، ۱۹۸۹).

در ایران طی پژوهشی که با نمونه‌ای دانشجویی انجام شده است، همسانی درونی با بهره‌گیری از آلفای کرونباخ سنجیده شد، نتایج حاصل برای تسلط بر محیط (۰/۶۹)، رشد شخصی (۰/۷۴)، ارتباط مثبت با دیگران (۰/۶۵)، هدفمندی در زندگی (۰/۷۳)، پذیرش خود (۰/۶۵)، خودمختاری (۰/۶۰) و نمره کلی ۰/۹۰ بود (کرجسی، ۱۹۷۰). در پژوهش حاضر نیز پایایی این آزمون با روش آلفای کرونباخ (۰/۸۷) محاسبه گردید (خواجه و همکاران، ۱۳۹۱).

یافته‌ها

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا پیش فرض‌های روش تحلیل واریانس چندمتغیره از جمله همگنی واریانس‌ها مورد بررسی قرار گرفت و به جهت تحقق آنها، داده‌ها به وسیله روش تحلیل واریانس چند متغیره مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) نشان داد که ۲۳ پسر و ۳۷ دختر و همچنین نمرات میانگین مسئولیت اجتماعی کل در دانش آموزان تک والدینی ۱۵۸/۸۳ و دانش آموزان عادی ۱۶۸/۲۰، رابطه والد فرزند در دانش آموزان تک والدینی ۷۱/۱۳ و دانش آموزان عادی ۶۷/۳۰ و بهزیستی روانی در دانش آموزان تک والدینی ۱۷۲/۵۰ و دانش آموزان عادی ۲۰۲/۰۶؛ و نمرات انحراف استاندارد مسئولیت اجتماعی کل در دانش آموزان تک والدینی ۴/۳۳۲ و دانش آموزان عادی ۴/۷۴، رابطه والد فرزند در دانش آموزان تک والدینی ۱۰/۳۴ و دانش آموزان عادی ۱۰/۹۲ و بهزیستی روانی در دانش آموزان تک والدینی ۲۸/۹۷ و دانش آموزان عادی ۳۵/۸۰ می‌باشد.

فرضیه: بین مسئولیت پذیری اجتماعی، رابطه والد فرزند و بهزیستی روانی دانش آموزان تک والدینی و عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۲: نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره جهت مقایسه مسئولیت پذیری اجتماعی، رابطه والد فرزند و بهزیستی روانی

شاخص آماری	متغیر وابسته	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	مقدار F	P
مسئولیت پذیری اجتماعی کل	تعامل	۱۳۱۶/۰۱	۱	۱۳۱۶/۰۱	۱/۱۷	۰/۲۸
	خطا	۶۴۸۲۰/۹۶	۵۸	۱۱۱۷/۶۰		
رابطه والد فرزند کل	تعامل	۲۲۰/۴۱	۱	۲۲۰/۴۱	۱/۹۴	۰/۱۶
	خطا	۶۵۶۵/۷۶	۵۸	۱۱۳/۲۰		
بهزیستی روانی کل	تعامل	۱۳۱۱۲/۸۱	۱	۱۳۱۱۲/۸۱	۱۲/۳۶	۰/۰۰۱
	خطا	۶۱۵۱۷/۳۶	۵۸	۱۰۶۰/۶۴		

نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد اثر گروه تنها بر نمرات حاصل از پرسش‌نامه بهزیستی روانی معنادار می‌باشد؛ بدین معنا که بین آزمودنی‌های دو گروه (دانش آموزان تک والدینی و عادی) در میانگین نمرات این متغیر تفاوت معناداری وجود دارد. اما در سایر متغیرها تفاوت معناداری دیده نمی‌شود.

جدول ۳: مقایسه دو تایی گروه‌ها

متغیر وابسته	گروه الف	گروه ب	خطای استاندارد	تفاوت میانگین‌ها (الف - ب)	سطح معناداری
مسئولیت‌پذیری اجتماعی کل	تک والدینی	عادی	۸/۶۳	-۹/۳۶	۰/۲۸
رابطه والد فرزندی کل	تک والدینی	عادی	۲/۷۴	۳/۸۳	۰/۱۶
بهبودی روانی کل	تک والدینی	عادی	۸/۴۰	-۲۹/۵۶	۰/۰۰۱

مطابق با جدول ۳: میانگین بهبودی روانی کل در دانش‌آموزان تک والدینی به صورت معناداری پائین‌تر از گروه دانش‌آموزان عادی بوده است.

فرضیه اول: بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانش‌آموزان تک والدینی و عادی تفاوت وجود دارد. به منظور بررسی به این فرضیه از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد. در این تحلیل، گروه (دانش-آموزان تک والدینی و عادی) به عنوان عامل بین آزمودنی و نمرات حاصل از پرسشنامه مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانش‌آموزان کردلو (۱۳۹۳)، به عنوان متغیر وابسته وارد مدل شدند. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره در جداول زیر ارائه شده است:

جدول ۳: نتایج آزمون‌های چندگانه برای بررسی تفاوت بین گروه‌ها در خرده‌مقیاس‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی

اثرات	آزمون	ارزش	F	Df فرضی	Df خطا	P	مجدور اتا
تعامل	اثر پیلاپی	۰/۹۶	۱۴۷/۲۰	۵	۵۴	۰/۰۰۰	۰/۹۶
	لامبدای ویلکز	۰/۰۳	۱۴۷/۲۰	۵	۵۴	۰/۰۰۰	۰/۹۶
	اثر هتلینگ	۲۷/۵۱	۱۴۷/۲۰	۵	۵۴	۰/۰۰۰	۰/۹۶
	بزرگترین ریشه‌روی	۲۷/۵۱	۱۴۷/۲۰	۵	۵۴	۰/۰۰۰	۰/۹۶
گروه	اثر پیلاپی	۰/۳۰	۷/۵۰	۵	۵۴	۰/۰۰۱	۰/۳۰
	لامبدای ویلکز	۰/۶۹	۷/۵۰	۵	۵۴	۰/۰۰۱	۰/۳۰
	اثر هتلینگ	۰/۴۳	۷/۵۰	۵	۵۴	۰/۰۰۱	۰/۳۰
	بزرگترین ریشه‌روی	۰/۴۳	۷/۵۰	۵	۵۴	۰/۰۰۱	۰/۳۰

جدول فوق نشان می‌دهد که نتایج آزمون‌های چندگانه در مورد گروه معنادار است. معنی‌دار شدن آزمون‌های چندگانه نشان می‌دهد که آزمودنی‌ها حداقل در یکی از خرده‌مقیاس‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی تفاوت معنی‌داری دارند.

مقایسه مسئولیت پذیری اجتماعی، رابطه والد فرزند و بهزیستی روانی در دانش آموزان.....149

جدول ۴: مقایسه دو تایی گروه‌ها

متغیر وابسته	گروه الف	گروه ب	خطای استاندارد	تفاوت میانگین‌ها (الف-ب)	سطح معناداری
امنیت	تک والدینی	عادی	۳/۲۳	-۳/۷۶	۰/۲۴۹
عزت نفس	تک والدینی	عادی	۲/۹۳	۳/۴۳	۰/۲۴۷
تعلق	تک والدینی	عادی	۵/۵۸	-۱/۹۰	۰/۷۳۵
تعهد درونی	تک والدینی	عادی	۲/۲۲	-۹/۳۳	۰/۰۰۰
تعهد بیرونی	تک والدینی	عادی	۲/۳۱	-۱/۶۰	۰/۴۹۳

مطابق با جدول ۴ میانگین خرده‌مقیاس تعهد درونی گروه دانش آموزان تک والدینی پایین‌تر از گروه دانش آموزان عادی بوده است.

فرضیه دوم: بین رابطه والد فرزند دانش آموزان تک والدینی و عادی تفاوت وجود دارد. در این تحلیل، گروه (دانش آموزان تک والدینی و عادی) به عنوان عامل بین آزمودنی و نمرات آزمودنی‌ها در متغیر رابطه والد فرزند به عنوان متغیرهای وابسته وارد مدل شدند. نتایج این تحلیل در جداول زیر ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج آزمون‌های چندگانه برای بررسی تفاوت بین گروه‌ها در خرده‌مقیاس‌های رابطه والد فرزند

اثرات	آزمون	ارزش	F	Df فرضی	Df خطا	P	مجذور اتا
تعامل	اثر پیلاپی	۰/۹۸	۷۱۴/۸۲	۴	۵۵	۰/۰۰۰	۰/۹۸
	لامبدای ویلکز	۰/۰۱	۷۱۴/۸۲	۴	۵۵	۰/۰۰۰	۰/۹۸
	اثر هتینگ	۵۱/۹۸	۷۱۴/۸۲	۴	۵۵	۰/۰۰۰	۰/۹۸
گروه	بزرگترین ریشه‌روی	۵۱/۹۸	۷۱۴/۸۲	۴	۵۵	۰/۰۰۰	۰/۹۸
	اثر پیلاپی	۰/۲۸	۵/۴۵	۴	۵۵	۰/۰۰۱	۰/۲۸
	لامبدای ویلکز	۰/۷۱	۵/۴۵	۴	۵۵	۰/۰۰۱	۰/۲۸
	اثر هتینگ	۰/۳۹	۵/۴۵	۴	۵۵	۰/۰۰۱	۰/۲۸
	بزرگترین ریشه‌روی	۰/۳۹	۵/۴۵	۴	۵۵	۰/۰۰۱	۰/۲۸

جدول فوق نشان می‌دهد که نتایج آزمون‌های چندگانه در مورد گروه معنادار است. معنی دار شدن آزمون‌های چندگانه نشان می‌دهد که آزمودنی‌ها حداقل در یکی از خرده‌مقیاس‌های رابطه والد فرزند تفاوت معنی داری دارند.

جدول ۶: مقایسه دو تایی گروه‌ها

متغیر وابسته	گروه الف	گروه ب	خطای استاندارد	تفاوت میانگین‌ها (الف-ب)	سطح معناداری
احساسات مثبت	تک والدینی	عادی	۱/۱۷	-۳/۱۶	۰/۰۰۹
تنفر / گم‌گشتگی	تک والدینی	عادی	۰/۷۱	۰/۹۳	۰/۱۹۷
تعیین هویت	تک والدینی	عادی	۱/۱۲	-۰/۹۰	۰/۴۲۸
ارتباطات	تک والدینی	عادی	۲/۰۰	۶/۹۶	۰/۰۰۱

مطابق با جدول ۶ میانگین خرده‌مقیاس احساسات مثبت گروه دانش‌آموزان تک والدینی به صورت معناداری پایین‌تر از گروه دانش‌آموزان عادی بوده است؛ همچنین، در خرده‌مقیاس ارتباطات گروه دانش‌آموزان تک والدینی به صورت معناداری بالاتر از گروه دانش‌آموزان عادی بوده است. **فرضیه سوم:** بین بهزیستی روانی دانش‌آموزان تک والدینی و عادی تفاوت وجود دارد. در این تحلیل، گروه (دانش‌آموزان تک والدینی و عادی) به عنوان عامل بین آزمودنی و نمرات آزمودنی‌ها در متغیر بهزیستی روانی به عنوان متغیرهای وابسته وارد مدل شدند. نتایج این تحلیل در جداول زیر ارائه شده است.

جدول ۷: نتایج آزمون‌های چندگانه برای بررسی تفاوت بین گروه‌ها در خرده‌مقیاس‌های بهزیستی روانی

اثرات	آزمون	ارزش	F	Df فرضی	Df خطا	P	مجذور اتا
تعامل	اثر پیلاپی	۰/۹۷	۳۶۴/۱۶	۶	۵۳	۰/۰۰۰	۰/۹۷
	لامبدای ویلکز	۰/۰۲	۳۶۴/۱۶	۶	۵۳	۰/۰۰۰	۰/۹۷
	اثر هتلینگ	۴۱/۲۲	۳۶۴/۱۶	۶	۵۳	۰/۰۰۰	۰/۹۷
	بزرگترین ریشه‌روی	۴۱/۲۲	۳۶۴/۱۶	۶	۵۳	۰/۰۰۰	۰/۹۷
گروه	اثر پیلاپی	۰/۲۷	۳/۳۸	۶	۵۳	۰/۰۰۷	۰/۲۷
	لامبدای ویلکز	۰/۷۲	۳/۳۸	۶	۵۳	۰/۰۰۷	۰/۲۷
	اثر هتلینگ	۰/۳۸	۳/۳۸	۶	۵۳	۰/۰۰۷	۰/۲۷
	بزرگترین ریشه‌روی	۰/۳۸	۳/۳۸	۶	۵۳	۰/۰۰۷	۰/۲۷

جدول فوق نشان می‌دهد که نتایج آزمون‌های چندگانه در مورد گروه معنادار است. معنی‌دار شدن آزمون‌های چندگانه نشان می‌دهد که آزمودنی‌ها حداقل در یکی از خرده‌مقیاس‌های بهزیستی روانی تفاوت معنی‌داری دارند.

مقایسه مسئولیت پذیری اجتماعی، رابطه والد فرزندی و بهزیستی روانی در دانش آموزان.....151

متغیر وابسته	گروه الف	گروه ب	خطای استاندارد	تفاوت میانگین ها (الف- ب)	سطح معناداری
پذیرش خود	تک والدینی	عادی	۳/۷۴	-۸/۱۶	۰/۰۳۳
روابط مثبت با دیگران	تک والدینی	عادی	۳/۲۷	-۷/۰۳	۰/۰۳۶
خودمختاری	تک والدینی	عادی	۲/۲۶	-۴/۶۰	۰/۰۴۷
تسلط بر محیط	تک والدینی	عادی	۲/۵۱	-۵/۶۶	۰/۰۲۸
زندگی هدفمند	تک والدینی	عادی	۲/۷۸	۴/۶۰	۰/۱۰۴
رشد شخصی	تک والدینی	عادی	۲/۵۳	-۸/۷۰	۰/۰۰۱

مطابق با جدول ۸ میانگین خرده‌مقیاس پذیرش خود، روابط مثبت با دیگران، خودمختاری، تسلط بر محیط و رشد شخصی دانش آموزان تک والدینی به صورت معناداری پائین تر از گروه دانش آموزان عادی بوده است.

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر مقایسه مسئولیت پذیری اجتماعی، رابطه والد فرزندی و بهزیستی روانی در دانش آموزان تک والدینی و عادی بود. نتایج نشان داد که اثر گروه تنها بر نمرات حاصل از پرسش‌نامه بهزیستی روانی معنادار می‌باشد؛ بدین معنا که بین آزمودنی‌های دو گروه (دانش آموزان تک والدینی و عادی) در میانگین نمرات این متغیر تفاوت معناداری وجود دارد. اما در سایر متغیرها تفاوت معناداری دیده نمی‌شود. این نتیجه با نتایج عسگری و جزایری (۱۳۹۷)؛ دودمان (۱۳۹۷)؛ طهرانی مقدم و همکاران (۱۳۹۷)؛ کاظم پور و باباپور (۱۳۹۶)؛ جوشن پوش و همکاران (۱۳۹۶)؛ حمیدی و انصاری (۱۳۹۵) همسو می‌باشد.

در تبیین این فرضیه می‌توان گفت که تک والدینی عنوانی است که بسیاری از جوامع برای نوعی از خانواده‌ها بکار می‌برند که شکلی است از خانواده به لحاظ ساختار خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، بیشتر در جوامع صنعتی به چشم می‌خورد، اما در سایر جوامع نیز وجود دارد. اغلب کودکانی که در خانواده‌های مادر سرپرست زندگی می‌کنند، ناگزیرند که به لحاظ عدم حضور پدر، با چالش‌های مالی و درگیری‌های آن مواجه شوند. این گونه کودکان (به ویژه کودکان طلاق)، غالباً افت از زندگی نرمال و استاندارد یا درگیری با فقر شدید را تجربه می‌کنند. آنها اغلب از قدرت بیان ضعیف و دسترسی محدود به تحصیلات رنج می‌برند، این شرایط نتیجه فقدان درآمد کافی و همچنین عدم حضور پدر در خانواده است. زمانی که سرپرست خانواده، مجرد، فقیر و شاغل است، غالباً برای انتخاب میان کیفیت تربیت کودکان دچار مشکل می‌شود. اغلب مشاغلی که درآمد کافی دارند، مستلزم صرف وقت به مدت طولانی

و یا صرف ساعات غیرمعمول برای کار هستند و این شرایط، برای اکثر والدین تنها، بدین معناست که آنها به عنوان سرپرست خانواده، کمتر می‌توانند از تجربیات و آموزش‌های تربیتی بهره‌گیرند، زیرا به میزان طولانی‌کاری می‌کنند و یا از بچه‌های زیادی مراقبت می‌نمایند. تحقیقات نشان می‌دهد که کودکان خانواده‌های تک‌والدینی در مقایسه با کودکان دارای دو والد، سازگاری کمتری دارند.

کودکانی که به وسیله یک والد بزرگ شده‌اند، با اشکالاتی نظیر پایین بودن طبقه اجتماعی، مسکن نامناسب و شرایط سخت اقتصادی مواجه هستند. مشکلات رفتاری در بین کودکانی که والدینشان طلاق گرفته یا جدا شده‌اند، نسبت به کودکانی که والد آنها فوت شده است، به میزان بیشتری مشاهده می‌شود. از طرفی یکی از ویژگی‌ها و خصوصیت‌هایی که همواره والدین و مربیان درصدد ایجاد و پرورش آن در متربیان می‌باشند «مسئولیت‌پذیری» است. اهمیت این ویژگی به حدی است که همواره پرورش این ویژگی مورد توجه نظریه‌پردازان حوزه تربیت قرار داشته است. مسئولیت‌پذیر بودن نه تنها موجب انجام بهتر و صحیح امور می‌شود بلکه جلب اعتماد دیگران را نیز در پی دارد و میزان اعتبار اجتماعی افراد را نیز ارتقاء می‌بخشد. همچنین مسئولیت‌پذیری یک رابطه دوطرفه بوده و فرایندی است که فرد باید از سال‌های آغازین زندگی خود در خانواده بیاموزد. به همین علت، سه عامل ارزش‌ها، طرز تلقی و مهارت والدین در ایجاد این خصوصیت دارای نقش اساسی است. ارزش‌ها و اعتقادات خانواده، تعیین‌کننده دامنه فعالیت والدین در جریان آموزش مسئولیت‌پذیری است.

طرز تلقی والدین درباره میزان آزادی کودکان در داخل خانواده و دادن اجازه به آن‌ها برای ابراز احساسات نیز عامل دیگری در جریان آموزش مسئولیت‌پذیری به کودکان محسوب می‌شود (زرین و فیاض، ۱۳۹۵). از طرفی اولین مقوله اصلی یعنی ادغام نقش پدری و مادری از مهمترین مسئولیت‌های خانواده‌های تک‌والدینی به شمار می‌رود. این بدان معناست که مادر یا پدر نقش والدینی پدرانه و مادرانه را همزمان با هم ایفا کرده و در کنار خصلت‌های مادرانه یا پدرانه خود برخی از صفات و وظایف یک پدر یا مادر را در دوران کودکی تا نوجوانی فرزندش ایفا نموده است. اهمیت این موضوع از آن جهت است که فقدان پدر یا مادر به خصوص در سال‌های ابتدایی زندگی می‌تواند باعث عدم الگوبرداری صحیح یا همانندسازی‌های رفتاری شود که ممکن است در دوران نوجوانی با گسترش ارتباطات فرد منجر به نداشتن تصور کامل و واضحی از جنس مخالف و مشکلات ارتباطی آینده در فرد شود (معمدی و همکاران،

مقایسه مسئولیت پذیری اجتماعی، رابطه والد فرزند و بهزیستی روانی در دانش آموزان.....153

(۱۳۹۵) و نهایتاً تحول شخصیت کودک و نوجوان به شدت توسط والدین متأثر می‌شود، غیبت یکی از والدین یا هر دو، اثر نامطلوبی بر تحول آنها خواهد داشت و آنها را مستعد بیماری روانی یا مشکلات رفتاری بعدی خواهد ساخت. عدم حضور هر یک از والدین در محیط خانواده، تعادل آن را بر هم زده و موجب تضعیف کارکرد خانواده، کاهش نظارت و مهار اجتماعی می‌شود و بزهکاری، مشکلات جسمانی، آشفتگی روانی و اجتماعی و اختلال‌های رفتاری در فرزندان آنها افزایش می‌یابد. همچنین نتایج فرضیه اول نشان داد که اثر گروه بر نمرات حاصل از پرسش‌نامه مسئولیت‌پذیری اجتماعی در خرده‌مقیاس تعهد درونی معنادار می‌باشد؛ بدین معنا که بین آزمودنی‌های دو گروه (دانش‌آموزان تک والدینی و عادی) در میانگین نمرات این خرده‌مقیاس تفاوت معناداری وجود دارد. اما در سایر خرده-مقیاس‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی تفاوت معناداری نمی‌باشد. این نتیجه با نتایج دودمان (۱۳۹۷)؛ طهرانی مقدم و همکاران (۱۳۹۷)؛ کاظم پور و باباپور (۱۳۹۶)؛ شیشه فر و همکاران (۱۳۹۶)؛ شارک و همکاران (۱۳۹۵)؛ پوراحمدی و همکاران (۱۳۸۹) همسو می‌باشد.

در تبیین این فرضیه می‌توان گفت که خانواده محل اولیه تکوین شخصیت کودک و زمینه ساز تحول و تکامل بعدی او می‌باشد، از این حیث حضور مستمر هر دو والد در خانواده و مشارکت فعالانه آنها در قبول مسئولیت‌های معین و فراهم نمودن شرایط جهت رشد و پرورش کودک بسیار حایز اهمیت است. اگر حضور یکی از والدین در اثر طلاق، مرگ و... در خانواده قطع شود، آثار بسیار زیان بار و عمیقی بر ذهن و روان کودکان باقی می‌گذارد. چنین شرایطی کودک را گرفتار زندگی ناخواسته ای می‌کند که خیلی زود یأس و استرس و بسیاری دیگر از آسیب‌های اجتماعی را تجربه خواهد کرد، این امر بر عملکرد تحصیلی، سازگاری اجتماعی، عزت نفس و موقعیت‌های شغلی و اجتماعی آینده آنها اثرات منفی پایدار و دامنه داری خواهد گذاشت.

امروزه تک فرزندی شدن در خانواده‌ها یک الگوی اجتماعی و خانوادگی تعریف شده که می‌تواند آسیب‌های زیادی به نهاد خانواده و جامعه وارد نماید به طوری که تک فرزندی‌ها بچه‌هایی متوقع پرورش یافته و والدین سعی می‌کنند به تمام نیازهای مادی آنها پاسخ دهند بنابراین او با توجه به شرایط متوقع شده و از دیگران توقع دارند تا خواسته‌های آنها را برآورده نمایند که این امر موجب فرزندسالاری در خانواده‌های تک فرزندی می‌شود. همچنین از طرفی دیگر مسئولیت‌پذیری یک رابطه دوطرفه بوده و

فرایندی است که فرد باید از سال‌های آغازین زندگی خود در خانواده بیاموزد. به همین علت، سه عامل ارزش‌ها، طرز تلقی و مهارت والدین در ایجاد این خصوصیت دارای نقش اساسی است. ارزش‌ها و اعتقادات خانواده، تعیین‌کننده دامنه فعالیت والدین در جریان آموزش مسئولیت‌پذیری است. نتایج فرضیه دوم نشان داد که اثر گروه بر نمرات حاصل از پرسش‌نامه رابطه والد فرزند در خرده‌مقیاس‌های احساسات مثبت و ارتباطات معنادار می‌باشد؛ بدین معنا که بین آزمودنی‌های دو گروه (دانش‌آموزان تک والدینی و عادی) در میانگین نمرات این خرده‌مقیاس‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. اما در سایر خرده-مقیاس‌های رابطه والد فرزند تفاوت معناداری نمی‌باشد. این نتیجه با نتایج عسگری و جزایری (۱۳۹۷)؛ جوشن پوش و همکاران (۱۳۹۶)؛ حمیدی و انصاری (۱۳۹۵)؛ میرزایی و همکاران (۱۳۹۴)؛ زارع و همکاران (۱۳۹۲)؛ بهرام‌آبادی و همکاران (۱۳۹۲) همسو می‌باشد.

در تبیین این فرضیه می‌توان گفت که به نظر می‌رسد اولین مقوله اصلی یعنی ادغام نقش پدری و مادری از مهمترین مسئولیت‌های خانواده‌های تک والدینی به شمار می‌رود. این بدان معناست که مادر یا پدر نقش والدینی پدرانه و مادرانه را همزمان با هم ایفا کرده و در کنار خصلت‌های مادرانه یا پدرانه خود برخی از صفات و وظایف یک پدر یا مادر را در دوران کودکی تا نوجوانی فرزندش ایفا نموده است. اهمیت این موضوع از آن جهت است که فقدان پدر یا مادر به خصوص در سال‌های ابتدایی زندگی می‌تواند باعث عدم الگوبرداری صحیح یا همانندسازی‌های رفتاری شود که ممکن است در دوران نوجوانی با گسترش ارتباطات فرد منجر به نداشتن تصور کامل و واضحی از جنس مخالف و مشکلات ارتباطی آینده در فرد شود (ساروخانی، خادمیان و نادری، ۱۳۹۳).

پس نیاز است که در مراحل رشد با این خصوصیات آشنا شده باشد. اما در کنار این نتیجه گاه برخی از مادران و پدران دچار تعارضات رفتاری می‌شوند و از لطافت‌ها و گرمی بروز احساسات مادرانه یا پدرانه خود می‌کاهند. طبق آنچه که تعدادی از مشارکت‌کنندگان بیان نمودند، این اتفاق به دلیل مشغولیت والد به تأمین معاش و رفاه خانواده، غرور مردانه یا مادرانه در صیانت از فرزندان و در کل غرق شدن در مقام جانشینی یکی از والدین رخ می‌دهد. در همین راستا مقوله دوم اهمیت خانواده رابطه مدار مطرح شد شارک و همکاران (۱۳۹۵)؛ چرا که حفظ رفتار مادرانه یا پدرانه اعم از نوازش کردن، در آغوش گرفتن، صرف وقت جهت انجام فعالیت مشترک، شوخ‌طبعی، گوش دادن فعال و پاسخ دادن به آنچه که فرزند

مقایسه مسئولیت پذیری اجتماعی، رابطه والد فرزندی و بهزیستی روانی در دانش آموزان.....155

می گوید می تواند به صمیمی تر شدن رابطه والد- فرزندی بیفزاید. بنابراین، ایجاد رابطه صمیمی بین والد و فرزند عامل مهمی در رشد و تحول افراد نوجوان است. بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، تجربه های اولیه روابط در خانواده بر چگونگی روابط بعدی فرد تأثیر می گذارد. به همین دلیل رفتار فرزند تا حدی به پاداش ها، تنبیه ها و الگوهای رفتاری والدین بستگی دارد. هرچه که این روابط گرم و دوستانه تر باشد، نوجوان در بزرگسالی نیز روابطی گرم و متعهدانه تری برقرار می کند.

مقوله دیگری که باید به آن اشاره نمود حمایت والدانه است. و نهایتاً نتایج فرضیه سوم نشان داد که اثر گروه بر نمرات حاصل از پرسش نامه خرده مقیاس های بهزیستی روانی (پذیرش خود، روابط مثبت با دیگران، خودمختاری، تسلط بر محیط و رشد شخصی معنادار می باشد؛ بدین معنا که بین آزمودنی های دو گروه (دانش آموزان تک والدینی و عادی) در میانگین نمرات این خرده مقیاس ها تفاوت معناداری وجود دارد. این نتیجه با نتایج حمیدی و انصاری (۱۳۹۵)؛ شارک و همکاران (۱۳۹۵)؛ پور بناب (۱۳۹۳)؛ دلاور و همکاران (۱۳۹۲)؛ خواجه و همکاران (۱۳۹۱) همسو می باشد.

در تبیین این فرضیه می توان گفت که با توجه به اینکه تحول شخصیت کودک و نوجوان به شدت توسط والدین متأثر می شود، غیبت یکی از والدین یا هر دو، اثر نامطلوبی بر تحول آنها خواهد داشت و آنها را مستعد بیماری روانی یا مشکلات رفتاری بعدی خواهد ساخت. عدم حضور هر یک از والدین در محیط خانواده، تعادل آن را بر هم زده و موجب تضعیف کارکرد خانواده، کاهش نظارت و مهار اجتماعی می شود و بزهکاری، مشکلات جسمانی، آشفتگی روانی و اجتماعی و اختلال های رفتاری در فرزندان آنها افزایش می یابد. مفهوم بهزیستی روانشناختی ریف متأثر از مفاهیم خودشکوفایی مازلو، انسان کامل راجرز، تفرّد یونگ و مفهوم پختگی آلپورت می باشد. لذا در توجیه این مدل ها می توان از نگاه مازلو نیز سود برد. مازلو معتقد است فرد زمانی به خودشکوفایی می رسد که دغدغه ارضای نیازهای رده پایین تر را نداشته باشد و نیازهایی مانند مراقبت، دوست داشتن و فیزیولوژیکی ارضا شود تا بعد فرد خودشکوفای شود.

مانیز متوجه شدیم برای افزایش و بهبود بهزیستی روانشناختی فرزندان، باید والدین حمایت کننده داشته باشند و به نیازهای روانی و مراقبتی دانش آموزان توجه داشته و سبک کنترلی نداشته باشند. بنابراین نتایج ارائه شده با نظریه مازلو انطباق دارد و در چارچوب نظریه مازلو نیز توجیه می شود. براساس مفاهیم راجرز

نیز می توان گفت برای اینکه افراد به شخصیت کامل برسند نیاز است که والدین توجه بدون قید و شرط برای فرزندانشان نشان دهند.

از جمله محدودیت های این پژوهش می توان به کثرت سوالات پرسشنامه به دلیل تعدد متغیرهای موجود در پژوهش محدودیت های زیر را موجب می شود: الف) وقت گیر بودن پژوهش ب) امتناع افراد از پر کردن پرسشنامه ها ج) ممکن است دقت افراد در پاسخ گویی به سوالات انتهایی پرسشنامه پائین بیاید. در نتیجه پیشنهاد می شود فرهنگ سازی مسائل مربوط به مسئولیت پذیری در دانش آموزان تک والدینی جهت راحت تر پاسخ دادن آزمودنی ها و همچنین پیشنهاد می شود که نتایج حاصل از این پژوهش در جوامع گسترده تری و حجم نمونه های بزرگتر صورت بگیرد.

منابع

- اصغری، محمدجواد و ممی زاده، محمد. (۱۳۹۷). نقش انعطاف پذیری روانشناختی و سرسختی روانشناختی در تبیین بهزیستی روانشناختی سربازان. مجله پژوهش های روانشناسی بالینی، ۸(۱): ۵۱-۳۷.
- بابایی فرد، اسدالله. (۱۳۹۲). عوامل اجتماعی مؤثر در مسئولیت پذیری زنان سرپرست خانوار در کاشان و آران و بیدگل. مطالعات راهبردی زنان، ۱۵(۵۹): ۱۱۵-۱۰۶.
- بختیاری، فاطمه و حسینی، هاجر. (۱۳۹۰). غرب و پدیده خانواده های تک والدینی. مطالعات زنان، ۱۲(۲۴): ۲۲-۳۵.
- پورناب، سیف اله. (۱۳۹۳). مقایسه سبک های هویت، بهزیستی روانشناختی و اختلالات رفتاری در دختران نوجوان خانواده های تک والدینی و عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران.
- جوشن پوش، شریفه؛ فضیلت پور، مسعود و رحمتی، عباس. (۱۳۹۶). اثربخشی روابط والد- فرزند بر ACT بر تعارض والد- نوجوان مادران دارای فرزند مصروع. پژوهش های علوم شناختی و رفتاری، ۷(۲): ۵۰-۳۹.
- حلی ساز، مریم؛ مظاهری، محمدعلی؛ پناغی، لیلی و حسینی، فریبا. (۱۳۹۵). ارزش های فرزندپروری مادران کودکان ۳ تا ۵ ساله. مجله راهبرد فرهنگ، ۵(۲۹): ۳۵-۲۶.
- حمیدی، فریده و انصاری، شهلا. (۱۳۹۵). رابطه شیوه های فرزند پروری والدین با سخت رویی و بهزیستی روانشناختی دانش آموزان. فصلنامه خانواده پژوهش، ۱۲(۳۲): ۵۸-۴۸.
- خواجه، نبی الله؛ بهرامی، فاطمه؛ فاتحی زاده، مریم و عابدی، محمدرضا. (۱۳۹۱). پیش بینی بهزیستی روانشناختی براساس کیفیت روابط فرازنشویی، همدلی و سیستم سازی در دانشجویان متاهل دانشگاه اصفهان. مطالعات روانشناختی، ۸(۲): ۱۳-۲۳.
- دودمان، پروانه. (۱۳۹۷). شیوه های فرزندپروری بر مسئولیت پذیری دانش آموزان دبیرستان های شهرستان مهر. مجله دانشگاه علوم پزشکی قم، ۱۲(۴): ۶۰-۵۱.

مقایسه مسئولیت پذیری اجتماعی، رابطه والد فرزندی و بهزیستی روانی در دانش آموزان.....157

- دلاور، علی؛ کوشکی، شیرین و جلالی، مرجان. (۱۳۹۲). رابطه مؤلفه‌های بهزیستی روانشناختی با سلامت عمومی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی. تحقیقات روانشناختی، ۵(۱۹): ۵۲-۶۳.
- زارع بهرام آبادی، مهدی؛ زهراکار، کیانوش؛ صالحیان، حانیه و محمدی فر، محمدعلی. (۱۳۹۲). اثربخشی برنامه بهبود بخشی ارتباط بر کیفیت رابطه والد- فرزندی در نوجوانان دختر خانواده‌های تک والدینی مادر سرپرست. مجله روان‌شناسی بالینی، ۵(۲): ۲۳-۱۳.
- زرین، مریم و فیاض، ایراندخت. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین روش‌های تربیتی مادران با مسئولیت پذیری دانش‌آموزان. فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۲(۲۰): ۶۰-۳۷.
- شارک، فرزانه؛ غباری بناب، باقر و ربیعی رضا. (۱۳۹۵). مشکلات رفتاری دانش‌آموزان خانواده‌های تک والدینی و دو والدی از دیدگاه معلمان آنها. سلامت روانی کودک، ۳(۲): ۲۹-۱۲.
- شیشه‌فر، سپیده؛ کاظمی، فرنگیس و پزشکی، شهلا. (۱۳۹۶). اثربخشی واقعیت‌درمانی بر شادکامی و مسئولیت پذیری مادران کودکان در خودمانده. فصلنامه روان‌شناسی افراد استثنایی، ۷(۲۷): ۷۷-۵۳.
- طهرانی مقدم، حامد و شریعت‌باقری، محمد مهدی. (۱۳۹۷). ارتباط عملکرد خانواده با مسئولیت پذیری و ارضای نیازهای روانی پایه دانش‌آموزان پسر دبیرستانی. خانواده پژوهی، ۱۴(۵۴): ۲۳۵-۲۲۱.
- عسگری، زهرا و جزایی، رضوان. (۱۳۹۷). رابطه والد- فرزند در مسیر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی در خانواده‌های مادر سرپرست: یک پژوهش کیفی. دوفصلنامه روانشناسی خانواده، ۵(۲): ۱۴-۳.
- کاظم پور، اسماعیل و باباپور، مریم. (۱۳۹۶). تاثیر آموزش صلح بر مسئولیت پذیری دانش‌آموزان. فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۸(۴): ۴۳-۳۳.
- مدهوشی، مهرداد و نوروزی، عباسعلی. (۱۳۹۵). تبیین الگوی ارتقاء مسئولیت پذیری اجتماعی سازمان. مجله مطالعات مدیریت راهبردی، ۶(۲۳): ۶۰-۴۳.
- معمدی شارک، فرزانه؛ غباری بناب، باقر و ربیعی، علیرضا. (۱۳۹۵). مشکلات رفتاری دانش‌آموزان خانواده‌های تک والدینی و دو والدی از دیدگاه معلمان آنها. فصلنامه سلامت روانی کودک، ۳(۲): ۹۸-۸۷.
- معمدی شارک، فرزانه؛ غباری بناب، باقر و ربیعی، علیرضا. (۱۳۹۵). مشکلات رفتاری دانش‌آموزان خانواده‌های تک والدینی و دو والدی از دیدگاه معلمان آنها. فصلنامه سلامت روانی کودک، ۳(۲): ۹۸-۸۷.
- موسوی، معصومه؛ جلویاری، فرحناز و تبریزی، مصطفی. (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش رویکرد ارتباطی ویرجینیا ستیر بر رابطه والد-فرزندی دختران نوجوان. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، ۷(۴): ۲۵-۹.
- میرزایی، فرشته؛ شاکری‌نیا، ایرج و اصغری، فرهاد. (۱۳۹۴). رابطه تعامل والد-فرزند با سطح رفتارهای پرخطرگراانه دانش‌آموزان. فصلنامه سلامت روانی کودک، ۲(۴): ۳۴-۲۱.
- یزدان پناه، لیلا و حکمت، فاطمه. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت پذیری اجتماعی نوجوانان. مطالعات اجتماعی ایران، ۸(۲): ۱۵۰-۱۲۷.

- Argyle, M. (2010). *The psychology of happiness* (2nd ed.). London: Routledge.
- Holopainen, L., Lappalainen, K., Junttila, N., Savolainen, H. (2018). Investigating the Relationship between Childhood Motherhood and Social Psychological Compatibility with Student Responsibility for Learning Disabilities. *Scandinavian Journal of Educational Research*, 56(2), 199-212.
- Mainhard, B. Valimaa, R& Bork, W. (2019). Investigating the Relationship between Responsibility for Displaced and Homeless Families in Africa. *Contemporary educational psychology*, 34, 185-194.
- Schnettler B, Grunert KG, Lobos G. (2018). Exploring relationships between family food behaviour and well-being in single-headed and dual-headed households with adolescent children. *125(1): 222-230.*
- Segerstrom, S.C., & Miller, G.E. (2017). Psychological stress and the human immune system: A meta-analytic study of 30 years of inquiry. *Psychological Bulletin*, 130(4), 601-630.